



Trump's Political Action Model in His Second Presidential Term and the Strategic Options of the Islamic Republic of Iran to Confront It

Mohammad Abdolkhani¹

DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.1.6.7

Abstract

This study addresses the fundamental question: Why did the American liberal democracy system ultimately lead to the emergence of Trumpism as its final product? The main hypothesis of this research is that Trumpism, as a populist phenomenon, directly stems from the structural and ideological crises of liberal democracy. These crises are primarily due to the weakening of fundamental democratic principles such as civic participation, social justice, and public trust in political institutions. Along with growing dissatisfaction with political elites and systemic corruption, these crises created conditions in which populist and anti-elite discourses transformed into an influential social and political movement, represented by Donald Trump. The methodology of this research is analytical and explanatory. This study seeks to explain how these factors have converged to shape the political phenomenon of Trumpism. The findings indicate that Trumpism, as a direct result of complex processes within American liberal democracy, emerged from identity crises and failures in reproducing equality and social justice. Through a populist discourse, Trump managed to mobilize segments of society that felt excluded from democratic processes. In this context, he exploited deep-seated distrust toward elites and offered simplistic and reductionist solutions, presenting himself as an alternative political force against the liberal democratic system. Thus, the emergence of Trumpism can be understood as a paradoxical response to the internal crises of American liberal democracy.

Keywords: Foreign Policy, Islamic Republic of Iran, Trump, Defensive Realism, Presidential Character.

Research Paper

Received:
30 January 2025

Revised:
27 May 2025

Accepted:
09 June 2025

Published:
22 June 2025

P.P: 187-215

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



1. Ph.D. Candidate in Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

mohamadabdolkhani@gmail.com

Cite this Paper: Abdolkhani, M. (2025). "Trump's Political Action Pattern in His Second Presidential Term and Strategic Options for the Islamic Republic of Iran to Counter It". *American Strategic Studies*, 5(17), 187-215

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

صص: ۲۱۵-۱۸۸

شابا چاپی: ۰۲۴۷-۲۸۲۱

الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



بررسی مقایسه‌ای راهبرد سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین^۱

مرضیه بابایی^۲ | روح‌اله خلیلی نژاد کشکویی پور^۳

چکیده

حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ تحولات ژئوپلیتیکی عمیقی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرد. این رویداد، بحث دیرینه درباره نقش جهانی آمریکا را مجدداً مطرح ساخت و سؤالاتی را درباره استراتژی ایالات متحده در قبال روسیه، در پرتو مناقشه اوکراین (۲۰۱۴-۲۰۲۳) را برانگیخت. لذا در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که راهبردهای سیاسی-امنیتی دولت‌های اول ترامپ و بایدن در قبال مناقشه اوکراین چگونه بوده و دارای چه شباهت‌ها و تمایزاتی است و چه تشابهات و تمایزاتی در استراتژی‌های ترامپ و بایدن قابل مشاهده است؟ مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعه اسنادی و مقایسه استراتژی‌های دولت اول ترامپ و بایدن چنین فرض شد که سیاست‌های بایدن در ادامه رویکردهای ترامپ با اتخاذ رویکرد سخت‌گیرانه‌تر و مقابله با هژمونی روسیه بر مناطق پیرامونی خود و در چارچوب «امنیت و بقا» بوده است. یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر نظریه رئالیسم تهاجمی است، نشان داد که این دو رئیس‌جمهور از زمینه‌های نظری متفاوتی استفاده کردند. ترامپ و آرمان‌های پوپولیستی او تلاش کردند تا از روابط معمول نخبگان ایالات متحده با مسکو دور شوند، چراکه او تلاش کرد تا روابط آمریکا و روسیه را از تقابل دور کند. در واقع، رویکرد ترامپ مبتنی بر همکاری در جهت حفظ صلح و امن کردن جهان و رفاه اقتصادی بود و از این نظر رویکرد موازنه‌گری نرم را اتخاذ نمود. با این حال، بین‌الملل‌گرایی لیبرال بایدن او را ملزم به استراتژی‌های سخت‌گیرانه علیه روسیه کرد. از این نظر، بایدن علیه پوتین اقداماتی انجام داد تا از او بخواهد صلحی را که لیبرال دموکرات‌ها از جنگ جهانی دوم برای ایجاد آن تلاش کرده‌اند، بازگرداند. در نتیجه، استراتژی بایدن به سمت اقدامات تحریمی شدیدتر، اخراج روسیه از گروه ۷ و افزایش حمایت‌های نظامی و اقتصادی از اوکراین تغییر جهت داد.

کلیدواژه‌ها: مناقشه اوکراین، روسیه، آمریکا، ترامپ، بایدن.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه پیام نور تهران می‌باشد.

۲- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، تهران، ایران.

marziyeebabayii@gmail.com

۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، تهران، ایران.

ruhollahkhalilinejad@gmail.com

استناد: بابایی، مرضیه و خلیلی نژاد کشکویی پور، روح‌اله. (۱۴۰۴). بررسی مقایسه‌ای راهبرد سیاسی-امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه

اوکراین. مطالعات راهبردی آمریکا، ۱۵(۱)، ۲۱۵-۱۸۸. DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.1.6.7

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به عنوان دو ابرقدرت شناخته می‌شدند، کشورهایی که بر سایر کشورهای جهان تسلط داشتند. رابطه این دو به دلیل رقابت برای کسب عنوان تنها ابرقدرت جهان همچنان در بین محافل علمی و سیاست خارجی اهمیت دارد. استراتژی ایالات متحده در قبال روسیه همواره با تعامل و تقابل همراه بوده، و استراتژی منسجم و جامعی در قبال روسیه وجود نداشته است. در قلب روابط، اختلافات اساسی بر سر مفاهیم قدرت، امنیت و نظم بین‌المللی وجود دارد. روسیه به نقض ناپذیری حاکمیت دولت، حوزه‌های نفوذ در همسایگی‌اش و نقش ضروری خود در امور جهانی در تضاد با تأکید ایالات متحده بر ارزش‌ها و قدرت ساختاری و مادی بی‌سابقه‌اش در یک سیستم تک‌قطبی تأکید دارد. چراکه ایالات متحده به عنوان قدرت غالب در نظام بین‌الملل؛ ترویج دموکراسی و تغییر رژیم از این طریق را اهداف اساسی خود می‌داند (German, 2020: 6). در استراتژی‌های ایالات متحده در قبال روسیه همواره بر پویایی‌های امنیتی در بین کشورهای حاشیه شرقی ناتو تأکید می‌شود. به همین دلیل، هم در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۱۴ و هم در اجلاس سران ورشو در سال ۲۰۱۶، ایالات متحده به طور خاص به نگرانی‌های امنیتی خود در مورد کشورهای این منطقه اشاره نمود. از این‌رو، این منطقه نقشی کلیدی در استراتژی‌های ایالات متحده (Hirss, 2019: 101) و تعاملات دو کشور نسبت به یک‌دیگر دارد. تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ منجر به دگرگونی در استراتژی ایالات متحده شد و به ترکیب پیچیده همکاری و تقابل که مشخصه روابط مسکو و واشنگتن در دو دهه گذشته بود، پایان داد (German, 2023: 2). درگیری روسیه و اوکراین نه تنها بر نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جهانی، بلکه بر سازمان‌دهی مجدد بلوک‌های سیاسی نیز تأثیر عمیقی داشته است. چراکه این درگیری فراتر از خشونت سیاسی بین روسیه و اوکراین، یک بازی پیچیده بین روسیه و ایالات متحده است. ایالات متحده تلاش می‌کند تا سیستم متحد جهانی را علیه روسیه تثبیت و سازمان‌دهی مجدد کند و این درگیری را به بستری برای حفظ هژمونی خود تبدیل نماید (Liu & Shu, 2023: 102). مسئله روسیه و اوکراین به تحول در استراتژی ایالات متحده از طریق حمایت‌های تسلیحاتی؛ پشتیبانی اطلاعات تاکتیکی، نظارت بر ارتش و حمایت‌های اقتصادی از اوکراین و اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه (Frederick et al, 2022: 4) منجر شده است.

این استراتژی‌ها، آمریکا و روسیه را بیش از قبل در رویارویی با یک‌دیگر قرار داده و به تحول در راهبردهای سیاسی و امنیتی ایالات متحده منجر شده است. بررسی الگوی حاکم بر رفتار سیاست خارجی آمریکا از دریچه مسائل رخ داده؛ می‌تواند به شناخت تحولات راهبردهای ایالات متحده در قبال روسیه و پیامدهای آن کمک نماید. در این مسیر، انتخاب یک چارچوب نظری مبتنی بر نظریه‌های روابط بین‌الملل همچون واقع‌گرایی که مسائل استراتژیک و امنیتی را مدنظر داشته باشد، می‌تواند به تبیین بهتر مسئله پژوهش کمک نماید. از این طریق، می‌توان به تبیین الگوی رفتاری آمریکا در مسائل مختلف بین‌المللی دست یافت و پیامدهای سیاستی برای سیاست‌گذاران و محققان ارائه نمود. با توجه به مسائلی که بیان شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که راهبردهای سیاسی-امنیتی دولت‌های اول ترامپ و بایدن در قبال مناقشه اوکراین چگونه بوده و دارای چه شباهت‌ها و تمایزاتی است؟

۲- پیشینه پژوهش

در آثار و منابع مختلف، کاربرست نظریات مختلف در مورد راهبردهای سیاست خارجی آمریکا و روسیه در قبال یک‌دیگر در جنبه‌های مختلف و برای دوره‌های زمانی متفاوت تاریخی صورت گرفته است که در این قسمت، چند مورد از مهم‌ترین آثار مرتبط با موضوع این پژوهش مورد اشاره قرار گرفته است.

رحمتی‌پور (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان «الگوی رفتاری روسیه و آمریکا در بحران‌های بین‌المللی سوریه و اوکراین»؛ نشان دادند که الگوی دو کشور مبتنی بر رقابت و همکاری در سوریه و تعارض و تقابل در بحران اوکراین بوده است. طالعی حور و بهرامی (۱۴۰۲)، در پژوهش خود با عنوان «تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین»، نشان دادند که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف روسیه و تأمین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی و صنعتی می‌تواند از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین باشد. نوروزی و سروری (۱۴۰۲)، در پژوهش خود با عنوان «جنگ اوکراین و الگوهای وابستگی متقابل در روابط چین با روسیه و آمریکا»؛ نشان داد که نگرش و سیاست چین در این بحران معطوف به احتیاط در تداوم رشد اقتصادی و تثبیت ظهور؛ حفظ نظامات همکاری اقتصادی با آمریکا؛ تداوم همکاری با روسیه؛ و در نهایت آرام کردن

فضای متشنج سیاسی به نفع روسیه جهت بر هم نخوردن موازنه سیاسی بوده است. ویتولوفسکی^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهش خود با عنوان «استراتژی ایالات متحده در نظم جهانی در حال تغییر: چالش‌هایی برای روسیه»؛ نشان داده که چگونه پیش‌نیازهای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک برای تغییر موقعیت ایالات متحده در جهان بر ایدئولوژی سیاست خارجی و عملکرد دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه و همچنین رویکردهای واشنگتن در توسعه و اجرای امنیت ملی تأثیر گذاشته است. امری که روندهای کلیدی سیاست آمریکا در قبال روسیه را شکل داده است. پلچار^۲ (۲۰۲۲)، در پژوهش خود با عنوان «روابط ایالات متحده و اوکراین و مفهوم مشارکت استراتژیک در رابطه این دو کشور با توجه به نقش روسیه در پرتو مشارکت راهبردی ایالات متحده و اوکراین»؛ به بررسی پیشینه تاریخی همکاری اقتصادی، اجتماعی - سیاسی و نظامی ایالات متحده و اوکراین و نقاط قوت و ضعف آن در مقایسه با مشارکت استراتژیک ایالات متحده در گرجستان پرداختند. این مطالعه نشان داده که حل‌وفصل دیپلماتیک و همکاری دفاعی و امنیتی از ارکان اصلی مشارکت‌های استراتژیک در اوکراین و گرجستان بوده است. انجانی^۳ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود با عنوان «دخالت ایالات متحده در جنگ روسیه و اوکراین در چشم‌انداز رئالیسم»؛ نشان دادند که دخالت ایالات متحده در جنگ روسیه و اوکراین بخشی از تاکتیک آن‌ها برای حفظ هژمونی خود به عنوان یک ابرقدرت در جهان است. تاکار^۴ (۲۰۲۴)، در پژوهش خود با عنوان «جنگ روسیه و اوکراین: تعامل هند و ایالات متحده»؛ نشان داده بی‌طرفی هند که به عنوان «خودمختاری استراتژیک» شناخته می‌شود و «نزدیکی استراتژیک» جدید آن با ایالات متحده، زمینه همزیستی دو کشور را به دنبال داشته که بر جنگ روسیه و اوکراین نیز تأثیر گذاشته است. علاوه بر این موارد، از دیگر پژوهش‌های انجام شده مرتبط می‌توان به زنده بودی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «روابط غرب - روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴»؛ الیسون^۵ و همکاران (۲۰۲۳) با عنوان «جنگ در اوکراین»؛ دیرموند^۶ (۲۰۲۳) با عنوان «ریاست جمهوری ترامپ، روسیه و اوکراین: توضیح عدم انسجام امور بین‌الملل» و... اشاره نمود. هر یک از این پژوهش‌ها به

^۱ Voitlovskii

^۲ Pelchar

^۳ Anjani

^۴ Thakkar

^۵ Ellison

^۶ Deyermund

نحوی تعامل آمریکا و روسیه را در بازه‌های زمانی مختلف و با توجه به الزامات راهبردی مورد بررسی قرار داده‌اند. تمرکز ویژه بر مقایسه راهبردی دو دولت در یک موضوع خاص و حیاتی می‌تواند خلأی مهم در ادبیات پژوهشی را پوشش دهد. تحلیل شخصیتی و رفتاری رؤسای جمهور در سیاست‌گذاری امنیتی به جنبه‌ای از سیاست‌گذاری می‌پردازد که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. استفاده از چارچوب‌های نظری علمی برای تحلیل تطبیقی، نوآوری دیگر در پژوهش حاضر است. کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی تهاجمی (در توضیح سیاست ترامپ و بایدن)، باعث می‌شود مقاله از یک تحلیل سطحی عبور کرده و به مدلی نظری برای درک تحولات تبدیل شود که با مشاهده سایر پژوهش‌ها، چنین تحقیقی انجام نگرفته است. درواقع، با تأمل در این منابع، می‌توان دریافت که راهبردهای آمریکا و روسیه در زمینه‌ی کاربست الگوهای نظری اندیشه‌ورزان متفاوت و در دوره‌های مختلف زمانی تحلیل شده است، اما به‌طور مشخص با بررسی ادبیات موجود در زمینه کاربست الگوی نظری واقع‌گرایی در استراتژی مقایسه‌ای ترامپ و بایدن نسبت به روسیه در سایه جنگ اوکراین، اثری مشاهده نگردید. به‌بیان دیگر، هیچ‌کدام به‌طور مستقیم به ایده‌ی اصلی و تحلیل این پژوهش اشاره نداشته‌اند. اتخاذ رویکردهای سخت و نرم در رویکردهای آمریکا؛ نشان‌دهنده نگاه واقع‌گرایانه و استراتژیک آمریکا در مناقشه روسیه و اوکراین و جنبه‌های نوآورانه این پژوهش می‌باشد.

۲- چارچوب نظری: تحلیل واقع‌گرایانه استراتژی‌های ایالات متحده

برای درک تعاملات کشورها در نظام بین‌المللی و ادراک استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی هر یک از آن‌ها نیاز به انتخاب رویکردی است که بتواند به بهترین نحو کاربرد سیاست‌های مختلف را نشان دهد. در این راستا، نظریه‌های مختلفی در روابط بین‌الملل وجود دارد که هر یک از آن‌ها مفروضات خاص خود را دارند. در این پژوهش، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان الگوی نظری پژوهش انتخاب شد. چراکه واقع‌گرایی تهاجمی در مفهوم‌سازی بازیگری هنجاری مانند آمریکا کاربرد بسیاری دارد (Aydin-Düzgit, 2015: 142). نظریه رئالیسم تهاجمی^۱ در روابط بین‌الملل توسط جان میرشایمر^۲ (۲۰۰۱) پایه‌گذاری و از آن حمایت شد. بااین‌حال، لازم به

^۱ Offensive Realism

^۲ John Mearsheimer

تأکید است که این پژوهش ادعا یا وانمود نمی‌کند که رئالیسم تهاجمی همه چیز را در مورد امنیت و سیاست خارجی توضیح می‌دهد. درواقع، بنیان‌گذار این نظریه آن را «چراغ‌قوه‌ای قدرتمند در یک اتاق تاریک» می‌داند (Mearsheimer, 2001: 11). رویکردی عینی و عقلانی به مسائل روابط بین‌الملل ارائه می‌کند و ماهیت روابط را مشخص می‌کند. میرشایمر (۲۰۰۱: ۳۰)، پنج «فرض اساسی» برای رئالیسم تهاجمی در نظر می‌گیرد: اولین اصل این است که نظام بین‌الملل وضعیتی آنارشیک دارد. درگیری‌ها و جنگ‌ها در یک نظام بین‌المللی آنارشیک و بدون نظم اتفاق می‌افتند «چراکه چیزی برای جلوگیری از آن‌ها وجود ندارد» (Mearsheimer, 2001: 232). فرض دوم این است که قدرت‌های بزرگ دارای برخی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که می‌توان از آن‌ها برای ایجاد خسارت یا حتی تخریب استفاده کرد. میرشایمر ادعا می‌کند که خطرناک‌ترین قدرت‌ها آن‌هایی هستند که قدرت نظامی بیشتری دارند (Mearsheimer, 2001: 5). سومین فرض، این است که دولت‌ها نسبت به نیت دولت‌های دیگر مشکوک هستند. اصل چهارم این است که بقا هدف اولیه هر کشوری است. هیچ اولییتی برای یک دولت بالاتر از بقای آن نیست. میرشایمر استدلال می‌کند که دولت‌ها می‌توانند اهداف غیرامنیتی را نیز دنبال کنند - تا زمانی که رفتار لازم با منطق توازن قدرت در تضاد نباشد (Mearsheimer, 2001: 46). آخرین فرض، این است که دولت‌ها بازیگران منطقی هستند و بر اساس نیاز خود به بقا و بر اساس محدودیت‌هایی که نظام بین‌الملل برای آن‌ها فراهم می‌کند، در نظام بین‌الملل رفتار می‌کنند (Mearsheimer, 2001: 31). هیچ‌یک از این پنج فرض اساسی به‌تنهایی الزام دولت‌ها را به رفتار رقابتی یا تهاجمی نشان نمی‌دهد (Prifti, 2009: 57). این مفروضات انگیزه‌های قدرتمندی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا نسبت به یک‌دیگر رفتار تهاجمی داشته باشند.

میرشایمر بین مفهوم هژمونی جهانی و هژمونی منطقه‌ای تمایز قائل می‌شود. ایالات متحده تنها یک هژمونی منطقه‌ای به‌دلیل عدم حضور قدرت‌های دیگر در نیم کره غربی است. برای این که یک هژمونی جهانی باشد، آمریکا باید تنها قدرت در آسیا و اروپا باشد. برای دستیابی به اهداف، دولت‌ها دو استراتژی عمده را اجرا می‌کنند. اولین استراتژی ایجاد تعادل است. از طریق این استراتژی، یک قدرت بزرگ «مسئولیت مستقیم» را به عهده می‌گیرد تا از برهم زدن توازن قوای فعلی توسط دولت دیگری جلوگیری کند. هدف اولیه، بازدارندگی متجاوز است. اگر این بخش

از استراتژی شکست بخورد، آنگاه دولت متعادل کننده از قدرت خود برای جلوگیری از برهم زدن توازن قوا توسط دولت دیگر استفاده می کند (Mearsheimer, 2001: 156). استراتژی دوم که قدرت های بزرگ برای مقابله با رقبای بالقوه به کار می برند، «انتقال مسئولیت» یا «باک پسینگ»¹ نام دارد. این رویکرد بر این اساس عمل می کند که یک دولت به جای مستقیماً درگیر شدن با قدرت تهدید کننده، سعی می کند مسئولیت ایستادگی در برابر آن قدرت را بر عهده کشوری دیگر بگذارد. در این روش، دولت انتقال دهنده مسئولیت از طریق مانورهای دیپلماتیک پیچیده تلاش می کند تا کشور ثالثی را وادار به تقبل نقش اصلی در تعادل گیری علیه متجاوز بالقوه کند. این استراتژی مستلزم مهارت های دیپلماتیک بالا و درک عمیق از پویایی های منطقه ای است (Mearsheimer, 2001: 157-159).

در چارچوب واقع گرایی تهاجمی، استدلال می شود که قدرت های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا تلاش می کنند هژمون باقی بمانند و با دنبال کردن استراتژی تجاوز پیشدستانه، آرزوی خود را برای تبدیل شدن به هژمون جهانی یا تأمین نیازهای خود ادامه دهند (Mearsheimer & Walt, 2016: 72-75). از همین روست که قدرت های بزرگ همچون آمریکا برای به حداکثر رساندن قدرت و امنیت خود، به اقدامات تهاجمی روی می آورند (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰). در چارچوب واقع گرایی تهاجمی، آمریکا با مطرح نمودن تجاوز پیشدستانه در حوزه های مختلف و با بهانه به چالش کشیدن ارزش ها و هنجارهای بین المللی و در جهت نشان دادن نفوذ و قدرت خود و درعین حال به منظور تأمین امنیت، به اقدامات تهاجمی دست می زند (اکبرپور آلمه جوقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۲). در چارچوب مناقشه روسیه و اوکراین، راهبرد ایالات متحده بخشی از تمایل این کشور برای حفظ هژمونی خود به عنوان تنها ابرقدرت در جهان پس از جنگ سرد است. علاوه بر این، بخشی از اقدامات ایالات متحده، ناشی از بی ثباتی اوکراین است تا این که تحت سلطه روسیه نباشد (Azanella, 2022: 65).

روسیه از طریق اوکراین به ناوگان نظامی خود در دریای سیاه دسترسی دارد و به یک کشور ترانزیت گاز از روسیه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا تبدیل شده است (Setiari et al, 2022: 14). از این رو، در پاسخ به حمله روسیه به چندین منطقه اوکراین، ایالات متحده سیاست هایی را

¹ Buck-passing

برای ارائه کمک نظامی به اوکراین تعیین کرد. ارائه کمک‌های نظامی یکی از رایج‌ترین ابزارهای سیاستی کشورهای غربی برای تأثیرگذاری بر درگیری و امنیت در کشورهای پذیرنده است. کمک‌های نظامی و تسلیحاتی شامل کمک‌های آموزشی، تسلیحات، تجهیزات نظامی، یا سایر خدمات (مانند اطلاعات) ارائه شده به نیروهای مسلح و گارد ساحلی و گارد مرزی است. کمک‌های نظامی نسبت به سایر اشکال مداخله اقتصادی، پایدارتر و به‌راحتی با بافت محلی سازگارتر تلقی می‌شوند. این کمک‌ها را می‌توان در ارتباط با حمایت ایالات متحده از اوکراین مشاهده نمود (Anjani, 2023: 29). در دوره اول ترامپ، هرچند لحن سیاسی‌اش نرم بود، اما فروش سلاح‌های کشنده به اوکراین (مانند موشک‌های ضدتانک جاولین) تصویب شد، اقدامی که اواما از آن پرهیز کرده بود. این نشانه‌ای از حمایت محدود برای حفظ توازن منطقه‌ای بود. در دوره بایدن و پس از حمله روسیه به اوکراین، دولت وی میلیاردها دلار کمک نظامی و مالی به کی‌یف ارائه داد. این اقدامات، مطابق با آموزه‌های واقع‌گرایی تهاجمی، تلاشی برای ممانعت از هژمونی منطقه‌ای روسیه در اروپای شرقی و تلاش برای بازدارندگی و افزایش هزینه‌های روسیه بود. بایدن، برخلاف ترامپ، به دنبال اعمال هزینه‌های سنگین ژئوپلیتیک برای روسیه بود تا مانع تغییر وضع موجود توسط کرملین شود. اگر بخواهیم از دیدگاه مرشایمر نگاه کنیم، هر دو دولت در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی حرکت کردند، اما تمرکز جغرافیایی و میزان مداخله متفاوت بوده است. ترامپ با تمرکز بر چین و عدم تمایل به درگیری در اروپا، و بایدن با تلاش برای جلوگیری از سلطه روسیه در شرق اروپا، هر دو در پی مهار قدرت‌های رقیب برای حفظ یا توسعه موقعیت هژمونیک آمریکا بودند. درواقع، استراتژی‌های دولت اول ترامپ و بایدن در قبال مناقشه اوکراین، در چارچوب اهداف، سطوح و شیوه‌های دستیابی به اهداف متفاوت بود.

۳- مفهوم استراتژی

ادبیات پیشین استراتژی را به‌عنوان سیاست استراتژیک کوتاه‌مدت و بلندمدت یک کشور تعریف می‌کنند. با این حال، معنای اصطلاح استراتژی همچنان نامشخص است. تفکر استراتژیک در سیاست، تجارت یا زندگی روزمره با این تفکر شروع می‌شود که اهداف سیاست یک کشور چیست. برای این منظور، یک تصمیم‌گیرنده استراتژیک برنامه عمل و سیاست‌های خاصی را با

هدف اجرای استراتژی کشور تشکیل می‌دهد. سیاست‌های آن‌ها با حرکت‌های استراتژیک دیگری که توسط رهبران کشورهای دیگر انجام می‌شود، در تعامل است. سیاست‌گذاران بر اساس پیش‌بینی خود از نحوه عملکرد سایر بازیگران تصمیم می‌گیرند و سیاست‌هایی را تعیین می‌کنند که اهداف آن‌ها را به حداکثر برساند. بر این اساس، اگر همه سیاست‌گذاران دقیقاً بدانند که سیاست‌گذاران دیگر چگونه برنامه‌ریزی می‌کنند، همه طرف‌ها می‌توانند به روشی بسیار کارآمد به اهداف خود دست یابند (Eskenazi, 2015: 2-3). استراتژی را می‌توان به‌عنوان نتیجه گسترده، ساختاریافته و سیستماتیک فرآیندها تعریف نمود که به‌منظور شناسایی مشکلات، چالش‌ها یا فرصت‌های مختلف سیاست، ارائه راه‌حل برای آن‌ها و تعیین اهداف و انتظارات در نظر گرفته می‌شوند. ایجاد استراتژی مستلزم فراتر رفتن از ساختن سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف است. این امر مستلزم وجود مجموعه‌ای منسجم از اهداف و ایده‌هاست که می‌تواند سیاست‌گذاران را در برخورد با واقعیت سیاسی راهنمایی کند (Eising et al, 2015: 52). در سیاست خارجی، استراتژی‌ها معمولاً پارامترهای گسترده‌ای را تعیین می‌کنند که سیاست‌گذاران تحت آن عمل می‌کنند (Nitoiu & Sus, 2019: 6). تحلیل روایت استراتژی یک دولت توضیح می‌دهد که چگونه بازیگران از طریق مدارهای ارتباطی، گذشته، حال و آینده خود را درک می‌کنند و واکنش آن‌ها به چالش‌های سیاسی و امنیتی به چه شکل است (Miskimmon et al, 2024: 447).

بخش استراتژی معمولاً شامل سه عنصر اصلی است که به شکل زیر تعریف می‌شوند: ۱. اهداف^۱: منظور از اهداف، نتایج مشخص و قابل اندازه‌گیری‌ای است که سازمان یا فرد قصد دارد در بلندمدت یا میان‌مدت به آن‌ها دست یابد. این اهداف باید واضح، واقع‌گرایانه و قابل سنجش باشند؛ ۲. ابزار^۲: ابزارها شامل منابع، امکانات و قابلیت‌هایی هستند که برای دستیابی به اهداف در اختیار داریم. این‌ها می‌توانند مالی، انسانی، فنی، اطلاعاتی یا حتی روابط و شبکه‌های ارتباطی باشند؛ ۳. شیوه‌های دستیابی^۳: این بخش شامل برنامه‌ها، راهکارها، و اقداماتی است که با استفاده از ابزار موجود برای رسیدن به اهداف تعیین می‌شوند. انتخاب شیوه‌ها باید متناسب با شرایط محیطی، نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی باشد (Eising et al, 2015: 53). اگر

¹ Goals² Resources/Mean³ Methods/ Tactics

هدف مشخص باشد، اما ابزار کافی یا شیوهی مناسبی برای استفاده از آن وجود نداشته باشد، استراتژی شکست خواهد خورد. برعکس، حتی با منابع محدود اما با روش هوشمندانه، می‌توان به اهداف دست یافت یا به آن‌ها نزدیک شد.

۴- مناقشه اوکراین: رقابت بین دو قدرت بزرگ

با شروع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱)، همواره اصطکاک بین اوکراین و روسیه در شبه‌جزیره کریمه^۱ وجود داشته است. مناقشات ارضی زمانی شروع شد که اوکراین، روسیه و بسیاری از پانزده جمهوری دیگر شوروی سابق به دنبال هویت و راه‌هایی برای ارتباط با یکدیگر بودند. رهبران روسیه، اروپا و ایالات متحده کاهش شدید تنش و افزایش منافع را در نظر گرفتند. با این حال، روسیه و اوکراین اولویت‌های بسیار متفاوتی دارند. روسیه به دنبال اولویت‌های سنتی است، درحالی‌که اوکراین امیدوار به حاکمیت برابر است (Anjani & Paksi, 2023: 25). روسیه در این منطقه به دنبال کسب موقعیت ابرقدرت و مخالفت با دکترین‌های ایالات متحده و متحدان ناتو آن است (Kalembang & Kalembang, 2022: 92). در نتیجه یک رشته درگیری‌ها و پس از حمله به کریمه در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴، روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تهاجم گسترده‌ای به اوکراین انجام داد. هدف حمله روسیه حفاظت از امنیت و موجودیت کشورش در برابر تهدید اوکراین اعلام شد. روسیه برای حفظ امنیت کشورش در برابر تهدید بلوک غرب و نفوذ ایالات متحده و حفظ روابط نزدیک با فراکسیون شوروی سابق تلاش می‌کند نزدیکی اوکراین به اتحادیه اروپا و ناتو را محدود کند (Sudiq & Yustitianiingtyas, 2022: 105).

از زمان آغاز جنگ، جایی که سربازان اوکراینی با نیروهای روسی می‌جنگند، رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی مشغول حفظ توجه جهان به این جنگ است. پیش از آغاز جنگ، ولادیمیر پوتین، هرگونه طرحی برای حمله به اوکراین را تکذیب کرد. او گفته بود که این فقط یک تمرین نظامی است، اما در فوریه ۲۰۲۲، ارتش روسیه یک عملیات نظامی ویژه در اوکراین را اعلام کرد (Taylor, 2022: 24). این اقدام پس از آن رخ داد که پوتین از فسخ توافقنامه صلح مینسک^۲ و اعزام نیرو به دو منطقه جدایی طلب اوکراین یعنی «لوهانسک» و «دونتسک» خبر داد.

^۱ Crimean Peninsula

^۲ Minsk Peace Protocol

دلیل اعزام نیرو به این مناطق، حفظ صلح اعلام شد. هزاران سرباز روسی قبل از شروع جنگ در امتداد مرز با اوکراین مستقر شدند (Sutyagin, 2015: 1). از آن زمان، گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر حمله به اوکراین وجود داشت. ایالات متحده بارها تأکید کرد که ارتش روسیه می‌تواند در هر زمان به اوکراین حمله کند (Biden, 2022: 24). علاقه اوکراین به عضویت در ناتو اوضاع را بدتر کرد. روسیه به ناتو هشدار داد که از سیاست توسعه طلبانه خود در شرق اروپا دست بردارد. روسیه به شدت خواهان توقف فعالیت‌های نظامی ناتو در شرق اروپا بود و خواستار موافقت ناتو با خروج نیروهایش از استونی، لهستان، لتونی و لیتوانی که زمانی در اتحاد جماهیر شوروی بودند، بود (Kumar, 2023: 928). این اختلافات و تنش‌ها زمینه‌ای شد تا روسیه به اوکراین حمله نماید. به هر حال، از زمان شروع جنگ، کشورهای عضو ناتو و آمریکا همواره و به‌طور مداوم، تسلیحات و کمک‌های اقتصادی به اوکراین ارسال می‌کنند.

۵- استراتژی‌های ایالات متحده در قبال اوکراین

۱-۱- کلیات الگوی رفتاری دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری در قبال اوکراین

دونالد ترامپ یکی از کم‌تجربه‌ترین رؤسای جمهور ایالات متحده می‌باشد که پیش‌تر هیچ مقام سیاسی یا مرتبط با سیاست خارجی نداشت. این بی‌تجربگی سیاسی، همراه با حرفه تجاری گسترده او (از جمله معاملات تجاری در روسیه) بر درک او از روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت و به گفته نای، با «تلاش‌های محدود برای پر کردن شکاف‌های دانش او» ترکیب شد (Nye, 2020: 177). ترامپ روابط بین‌الملل را معامله‌ای و حاصل جمع صفر می‌داند (Cato Institute, 2019). اعتقادات خاص ترامپ در مورد اوکراین، این کشور را فاسد و به‌عنوان یک فرصت سیاسی برای خود نشان می‌داد (Cohen, 2022: 26). استراتژی‌های ترامپ در قبال اوکراین منعکس‌کننده جهان‌بینی معاملاتی او، تصویر و عدم شناخت او از اوکراین، اعتقادات او به روسیه و علاقه‌اش به پوتین و تمایلات او به انحراف از بوروکراسی، اعتقاد به توطئه‌ها، رد رویکردهای جایگزین و سیاست‌های غیرمعمول بود. از یک‌سو، به حمایت از اوکراین که در دوران دولت اوباما پس از

حوادث کریمه و دونباس^۱ در سال ۲۰۱۴ ایجاد شد، ادامه داد. از سوی دیگر تحریم‌های مرتبط با اوکراین علیه روسیه حفظ شد و ایالات متحده و ناتو حضور نظامی در اوکراین را تقویت کردند (Pifer, 2020: 18). ترامپ به دلیل ضدیت و بی‌اعتمادی، جبهه چندجانبه را با متحدان اروپایی علیه روسیه ایجاد نکرد. لفاظی‌های منفی ترامپ در مورد ناتو و حملات لفظی به اعضای آن باعث شد که بسیاری از ناظران تعهد او به این اتحاد را زیر سؤال ببرند (Speck, 2020: 18). باورهای یکجانبه‌گرایانه^۲ ترامپ و دیدگاه‌های کلی ترامپ که چندجانبه‌گرایی^۳ و نهادهای بین‌المللی را بی‌ارزش می‌کند، دیدگاه‌های خاص او درباره ناتو و نادیده گرفتن توصیه‌های مخالف او در مورد اهمیت روابط ترانس آتلانتیک^۴، حاکی از عدم پاسخی واحد به روسیه بود (Kaarbo et al, 2021: 619).

۵-۲- کلیات الگوی رفتاری جو بایدن در قبال اوکراین

سوابق بایدن او را به یکی از با تجربه‌ترین روسای جمهور سیاست خارجی در تاریخ ایالات متحده تبدیل کرده بود و چندین سال قبل از اینکه معاون رئیس‌جمهور در دولت اوباما شود، ریاست کمیته روابط خارجی سنا را بر عهده داشت. این تجربه ترجیحات سیاسی او را شکل داد، به‌ویژه نگرش مثبت او نسبت به چندجانبه‌گرایی، بین‌المللی‌گرایی^۵ و آتلانتیسیسم^۶، که به‌وضوح در واکنش او به روسیه نشان داده شده است (Lemire, 2022: 12). تجربه گسترده بایدن، او را متقاعد کرد که درگیری روسیه با اوکراین، مستلزم توجه است (Pifer, 2020: 8). بایدن به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور بارها از اوکراین بازدید کرد و برای توسعه روابط نزدیک با رئیس‌جمهور سابق پترو پوروشنکو تلاش کرد (Parker et al, 2022: 23). از زمان حمله روسیه به اوکراین، پاسخ‌های دولت وی به‌طور پیوسته محکومیت شدید روسیه همراه با حمایت قابل توجه از اوکراین؛ و تلاش برای رهبری یک تلاش چندجانبه برای بازدارندگی و کمک به اوکراین بود (Reuters, 2021). وقتی روسیه به اوکراین حمله کرد، بایدن فوراً آن را محکوم کرد و آن را «تحریک‌آمیز و غیرقابل توجیه» خواند و متعهد شد که تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و

¹ Donbas

² Unilateralism

³ Multilateralism

⁴ Transatlantic Partnership

⁵ Internationalism

⁶ Atlanticism

کمک‌های بشردوستانه و نظامی به اوکراین ارائه کند (Welt, 2022: 22). بدین منظور به زلنسکی در مورد حمایت آمریکا از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین اطمینان داد (Bredemeier, 2022: 13). رویکرد چندجانبه‌گرایانه در قبال حمایت از اوکراین با سیاست خارجی او هم به‌طور کلی و هم با شرکای اروپایی سازگار بوده است (Brands, 2021: 6). درواقع، استراتژی بایدن در چارچوب محکومیت شدید روسیه و حمایت قاطع از اوکراین قابل تبیین است.

۶- اقدامات ایالات متحده علیه روسیه در مسئله اوکراین

با تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، آمریکا و متحدانش برای مقابله با روسیه، استراتژی‌های بسیاری را اتخاذ کرده‌اند. اعمال تحریم‌های اقتصادی و محرومیت از تعاملات دیپلماتیک؛ رأی به خروج روسیه از گروه ۷ و ارسال ادوات و تجهیزات نظامی از جمله این راهبردهاست. استراتژی‌هایی که ریشه در نگاه واقع‌بینانه و ژئوپلیتیکی آمریکا و متحدانش به مسئله اوکراین دارند. در ادامه، این موارد تبیین شده‌اند.

۶-۱- اعمال تحریم‌های گسترده

موضع رسمی دولت ایالات متحده، که در تمام دوران ریاست جمهوری ترامپ ثابت بود، این بود که تحریم‌ها علیه روسیه تا زمانی که کریمه به کنترل اوکراین بازگردانده شود و روسیه تجاوزات خود را در شرق اوکراین متوقف کند، باقی خواهند ماند. همچنین تحریم‌ها تا زمانی که روسیه «به‌طور کامل تعهدات خود را در قبال توافق‌نامه‌های مینسک اجرا نکند، باقی خواهند ماند» (US Department of State, 2017: 23 April). تمرکز بر بهبود روابط با روسیه در دوره ترامپ، نگرانی قابل توجهی در مورد نیات وی در رابطه با تحریم‌ها ایجاد کرد و کنگره را به تصویب قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها رساند که هدف اصلی آن جلوگیری از کاهش یا حذف تحریم‌ها علیه روسیه بدون تأیید رئیس‌جمهور بود (Tamkin, 2017: 2). علی‌رغم مخالفت اولیه دولت، ترامپ در نهایت این قانون را امضا کرد (Deyrmond, 2023: 1602). تأثیر این مخالفت‌ها، تأخیر و انتقادات نسبت به اعمال تحریم علیه روسیه، تقویت این تصور بود که دولت طرفدار کاهش یا حذف تحریم‌ها علیه روسیه است. شاید به همین دلیل، هم وزارت امور خارجه و هم کاخ سفید مرتباً بر ادامه اعمال تحریم‌ها علیه روسیه به دلیل اقدامات مرتبط با اوکراین تأکید

کردند. مسئله‌ای که در دوره بایدن شدت بیشتری یافته بود (Zengerle, 2018: 29). درواقع، موضوع تحریم‌ها در دوره ریاست جمهوری بایدن، اهمیت بیشتری پیدا کرد. در این دوره، به‌طور معمول از تحریم‌ها به‌عنوان شواهدی مبنی بر حمایت ایالات متحده از اوکراین و تمایل به مخالفت با روسیه یاد می‌شود. چنان‌که در پاسخ به تهاجم روسیه به اوکراین، تحریم‌های اقتصادی بسیاری علیه روسیه اعمال کردند (Babina et al, 2023; Pajuste-Toniolo, 2022). هدف از این تحریم‌ها تضعیف اقتصاد ۱٫۸ تریلیون دلاری روسیه (رتبه یازده جهان) بود تا این کشور نتواند جنگ در اوکراین را تأمین مالی کند. تا ۲۱ اوت ۲۰۲۳، ۱۷۵۸۲ تحریم علیه افراد و نهادهای این کشور اعمال شد. با این حال نتایج مورد انتظار را نداشتند. درواقع، تأثیر تحریم‌ها فوری نبود، همان‌طور که پایداری اقتصاد روسیه نشان داد. درواقع، درحالی‌که این اقدامات در کاهش سرعت رشد اقتصادی موفق بوده، اما نتوانسته چالشی غیرقابل حل برای روسیه باشد (Kulikov et al, 2023: 3). علاوه بر تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط دولت‌ها، بسیاری از سیاستمداران دانشگاهیان و فعالان عمومی اوکراین از شرکت‌های بین‌المللی خواستند از روسیه خارج شوند. آن‌ها از روش‌های مختلفی برای تحت فشار قرار دادن این شرکت‌ها استفاده کردند، که ازجمله می‌توان به اصرار، شرمساری، تحریم و اعتراض در مقابل دفتر مرکزی آن‌ها اشاره نمود (Alin et al, 2022: 28). علی‌رغم موضع رسمی دولت‌های متبوع بسیاری از شرکت‌های طرفدار اوکراین، بسیاری از شرکت‌ها به فعالیت خود در روسیه ادامه دادند.

در کنار تحریم‌های اقتصادی، کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و نهادهای بین‌المللی پس از حمله روسیه به اوکراین، تحریم‌های گسترده‌ای را در سایر بخش‌ها نیز علیه روسیه اعمال کردند. این تحریم‌ها ابعاد سیاسی، ورزشی، علمی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. در حوزه تحریم‌های سیاسی، می‌توان به تعلیق یا کاهش سطح روابط دیپلماتیک با روسیه، اخراج دیپلمات‌های روس از کشورهای غربی و محدودیت یا ممنوعیت ورود مقامات بلندپایه روسیه به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی اشاره نمود. در حوزه تحریم‌های ورزشی، می‌توان به محرومیت روسیه از شرکت در بسیاری از رقابت‌های بین‌المللی (مانند جام جهانی فوتبال، المپیک)، حذف باشگاه‌ها و ورزشکاران روس از مسابقات بین‌المللی و ممنوعیت میزبانی رویدادهای ورزشی بین‌المللی در روسیه اشاره نمود. در حوزه تحریم‌های علمی، می‌توان به توقف همکاری‌های علمی و تحقیقاتی

مشترک با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی روسیه، لغو مشارکت روسیه در پروژه‌های بین‌المللی مانند برنامه‌های فضایی یا علمی اروپایی و محدودیت در اعطای ویزای تحصیلی یا فرصت‌های مطالعاتی به پژوهشگران روسی اشاره نمود. در حوزه تحریم‌های فرهنگی، می‌توان به لغو برنامه‌های فرهنگی مشترک با نهادهای روسی، حذف هنرمندان وابسته به دولت روسیه از فستیوال‌ها و برنامه‌های بین‌المللی و توقف تبادلات فرهنگی و بسته شدن برخی مراکز فرهنگی روسی در خارج از کشور اشاره نمود (Kulikov et al, 2023: 4-5). این تحریم‌ها نشان‌دهنده تلاش گسترده آمریکا برای «انزوای همه‌جانبه» روسیه در سطح جهانی است.

۲-۶- رأی به خروج روسیه از گروه ۷

پس از الحاق کریمه در اوایل سال ۲۰۱۴، روسیه از گروه ۸^۱ (بعد از آن، گروه ۷) اخراج شد. این موضوعی بود که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ توجه زیادی به آن شد (US Department of State, 2021). در ژوئن ۲۰۱۸، ترامپ شروع به ابراز تمایل به پذیرش مجدد روسیه کرد. جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی، در خاطرات خود مدعی است که ترامپ در مورد پذیرش مجدد روسیه به اجماع رسیده بود (Bolton, 2020: 101). «ترامپ قبل از اجلاس سران این گروه در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد باید اجازه دهند روسیه بازگردد» (Trump White House Archives, 2018). اگرچه او پس از اجلاس مدعی شد که این ایده مورد حمایت قرار گرفته است، اما گزارش شد که این ایده باعث اصطکاک با دیگر سران گروه شده و علناً توسط آنگلا مرکل صدراعظم وقت آلمان رد شده است (Bolton, 2020: 9). هنگامی که این موضوع مجدداً در سال ۲۰۱۹ مطرح شد، ترامپ همچنان از عدم اخراج روسیه حمایت می‌کرد. این اظهارات علنی ترامپ در تضاد با سیاست دولت در مورد حضور روسیه در اوکراین بود (Deyermond, 2023: 1604). اگرچه اظهارات ترامپ نشان داد که او از پذیرش مجدد روسیه حمایت می‌کند، اما با انتخاب بایدن به ریاست جمهوری، تلاش‌ها برای بازگشت روسیه به بن‌بست خورد. در واقع، پس از اخراج روسیه در سال ۲۰۱۴ و با وجود موافقت ضمنی ترامپ به بازگشت مجدد روسیه به این گروه؛ در دوره بایدن اقدامی برای بازگشت روسیه صورت نگرفت.

۳-۶- ارسال تجهیزات و تسلیحات نظامی به اوکراین

¹ The Group of Seven

پیوندهای دفاعی و امنیتی بین اوکراین، اعضای ناتو و سایر متحدان و شرکا بلافاصله پس از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ آغاز شد. این پیوندها زمانی که روسیه کریمه را در سال ۲۰۱۴ به خاک خود ضمیمه کرد، تشدید شد، اما عمدتاً به شکل آموزش و ارائه دوجانبه تجهیزات نظامی غیرکشنده بود. از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، کمک‌های نظامی دوجانبه به‌طور قابل توجهی افزایش یافت، به‌طوری‌که بسیاری از متحدان برای اولین بار سلاح‌های مرگبار را به اوکراین ارائه کردند. برای برخی از کشورها مانند آلمان و کشورهای بی‌طرف مانند سوئد، این نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی از سیاست‌های دفاعی قبلی آنهاست که امکان ارائه سلاح‌های تهاجمی را فراهم می‌کرد. همان‌طور که درگیری در اوکراین تکامل یافت، انواع تسلیحات نیز افزایش یافت. این نگرانی شکل گرفت که ارائه تسلیحات پیشرفته‌تر می‌تواند درگیری را تشدید کند. بااین‌حال، تدارک مداوم تجهیزات مدرن، توسعه بلندمدت توانایی و تقویت پایگاه صنعتی دفاعی اوکراین به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف بیشتر در نظر گرفته شد (Mills, 2024: 2). استقرار نیروها در جناح شرقی ناتو یا حمایت‌های بشردوستانه و اقتصادی گسترده‌تر از اوکراین از دیگر حمایت‌هایی است که از سوی اعضای ناتو با تأکید بر ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است. ایالات متحده بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده کمک نظامی به اوکراین است. در زمان نگارش این پژوهش، ایالات متحده بیش از ۶۲ میلیارد دلار برای کمک به اوکراین اختصاص داده، که از این مقدار حدود ۶۱٫۴ میلیارد دلار پس از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ بوده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۳). تدارکات و تجهیزات ایالات متحده برای اوکراین متنوع بوده است. در حالی که ایالات متحده تاکنون هواپیماهای بدون سرنشین کمی در اختیار اوکراینی‌ها قرار داده است، سلاح‌های سنگین‌تر و ده‌ها میلیارد دلار کمک ارائه کرده است. ایالات متحده به این امید که هزینه‌های خالص نتیجه‌ای به همراه داشته باشد، روی کمک‌های نظامی سرمایه‌گذاری کرده است (Milburn, 2022: 5). از این‌رو، ایالات متحده و دیگر هم‌پیمانان در دوره بایدن تلاش نمودند تا همواره تجهیزات و کمک‌های نظامی خود را به اوکراین ارسال نمایند تا از ضعف آن جلوگیری نمایند. در مجموع، ایالات متحده تلاش نموده کمک‌های نظامی بسیاری را به اوکراین جهت جنگ با روسیه ارسال نماید. هرچند این نگرانی وجود داشت که ممکن است در اهدافی در عمق خاک روسیه مورد

استفاده قرار گیرد و درگیری‌ها را تشدید کند، اما به مرور زمان انواع سلاح‌ها در اختیار اوکراین قرار گرفت.

۷- مقایسه راهبردهای سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین

حدود سه سال پس از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین، وضعیت همچنان نامشخص است. نتیجه این امر با توجه به اهداف، ابزارها و شیوه‌های دستیابی به اهداف متفاوت به کار گرفته شده توسط دولت‌های مختلف آمریکا در طول این سال‌ها می‌تواند مرتبط باشد و از این طریق بتوان به رقابت استراتژیک بین ایالات متحده و روسیه در مناقشه اوکراین دست یافت. کلیات رویکرد هر یک از روسای جمهور آمریکا برای دستیابی به اهداف خود، در طول پژوهش به صورت مجزا و پراکنده بحث شد، اما در این بخش به صورت موردی، راهبردهای سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در این زمینه‌ها بررسی شده است:

۷-۱- مقایسه راهبرد سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین در سطح اهداف

اعتقادات خاص ترامپ در مورد اوکراین، این کشور را فاسد و به عنوان یک فرصت سیاسی نشان می‌داد. از این رو، ترامپ اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین را در نظر نمی‌گرفت و اهدافی همچون اتحادها و تعامل جهانی آمریکا را با منافع ایالات متحده همسو نمی‌دانست (Draper, 2022: 11). سیاست خارجی ترامپ در قبال اوکراین طی دوران ریاست جمهوری‌اش تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفت. این سیاست منعکس کننده رویکرد معاملاتی^۱ ترامپ در روابط بین‌الملل بود. وی درک محدودی از اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین داشت و همواره بر عادی سازی روابط با روسیه و حفظ روابط شخصی با پوتین تأکید می‌کرد. علاوه بر این، ترامپ تمایل به دور زدن بوروکراسی رسمی دولت آمریکا و اتخاذ تصمیمات فردی داشت. او اغلب به نظریه‌های توطئه^۲ اعتقاد داشت و رویکردهای متعارف سیاست خارجی آمریکا را نادیده می‌گرفت. این ویژگی‌ها باعث شد تا او سیاست‌هایی را در قبال اوکراین اتخاذ کند که خارج از چارچوب مشاوره‌های

^۱ Transactional Approach

^۲ Conspiracy Theories

کارشناسی و هماهنگی با متحدان بود (Kaarbo et al, 2023: 617). تمرکز بایدن بر اتحادها ستون فقرات پاسخ ملت به پوتین بوده است... تعهدی که دولت بایدن به متحدان ایالات متحده داده است، کاملاً در تضاد با عدم تعهد آشکار دولت قبلی است (Lemire, 2022: 14). رویکرد چندجانبه بایدن در قبال حمایت از اوکراین هم با سیاست خارجی او و هم با شرکای اروپایی سازگار بود (Brands, 2021: 9). تیم بایدن در تلاش بود «به متحدان در سراسر اروپا اطمینان دهد که همکاری را در اولویت قرار خواهد داد، چراکه او گروه ۷ و کشورهای ناتو را برای ایستادگی در برابر نیروهای رو به رشد حکومت‌های خودکامه متحد کرد» وی هدف ایالات متحده را مقابله با حکومت‌های مستبد و قدرتمند همچون روسیه عنوان نمود (Kaarbo et al, 2023: 615). در حالی که ترامپ اولویت اول آمریکا را مدنظر قرار داد و تعهد خود را حفظ منافع و امنیت آمریکا قرار داد، بایدن این اهداف را در چارچوب اهداف بزرگ‌تر امنیت ملی سنتی، مانند «رهبری در سازمان‌های چندجانبه»، مشارکت با متحدان و «پاسخ به رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فزاینده» کشورهایی مانند روسیه قرار داد. در حالی که اهداف ادعایی دولت ترامپ احیای داخلی، حفاظت از مردم آمریکا، حفظ صلح از طریق قدرت و پیشبرد نفوذ آمریکا بود، اما بایدن در عین در نظر گرفتن مشارکت، همکاری و رقابت به‌عنوان اجزای ضروری استراتژی‌های دولت، رقابت با دشمنان و حکومت‌های اقتدارگرا همچون پوتین، رقابت استراتژیک با روسیه برای شکل دادن به آینده نظم بین‌المللی و دستیابی به برتری رقابتی نسبت به روسیه را اولویت قرار داد (Dhanani & McBrien, 2022: 4). تحلیل مقایسه‌ای اهداف دولت ترامپ و بایدن در مناقشه روسیه و اوکراین، نشان‌دهنده اقدامات دیپلماتیک و تحت فشار قرار دادن اوکراین و پذیرش برتری طلبی روسیه در محیط پیرامون خود توسط دولت ترامپ و تأمین تسلیحات و ابزارهای نظامی برای اوکراین و انتخاب‌های امنیتی و تلاش بین‌المللی دولت بایدن برای مقابله با هژمونی طلبی روسیه در محیط پیرامونش است (Podlesny, 2024: 3). بنابراین، اهداف ترامپ پذیرش برتری طلبی روسیه در محیط پیرامونی بود، اما دولت بایدن با هژمونی طلبی روسیه در محیط پیرامونی مقابله نمود.

۲-۷. مقایسه راهبرد سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین در سطح ابزارها

در سطح ابزارهای به کار گرفته شده توسط دولت ترامپ و بایدن در مسئله مناقشه اوکراین در طول پژوهش به صورت پراکنده مطالبی بیان شد که نشان‌دهنده تفاوت آن‌ها در استفاده از ابزارهای مختلف برای رسیدن به اهداف مدنظر است. چنان‌که در عصر بایدن، پاسخ ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در اتحادیه اروپا به تهاجم روسیه به اوکراین، با تحریم‌های بی‌سابقه علیه روسیه و کمک‌های نظامی و ارسال تجهیزات گسترده به اوکراین، قابل مشاهده است. استفاده از این دست ابزارها علیه روسیه در تضاد کامل با واکنش‌های نسبتاً منعطف و غیرقطعی دولت ترامپ نسبت به روسیه در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ بود (Sweeney, 2022: 9). برخی تحلیل‌گران بیان می‌کنند اگر ترامپ به جای بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در زمان حمله بود، احتمال اتحاد غرب علیه روسیه کمتر می‌شد (Chait, 2022: 14). چراکه به نظر این تحلیلگران، ترامپ در امور خارجی بی‌تجربه بود، درک سطحی از موقعیت‌های پیچیده بین‌المللی داشت و اغلب تصمیمات سیاست خارجی خود را بر اساس تمایل به رهبران اقتدارگرا همچون پوتین استوار می‌کرد. در نتیجه، ترامپ و بایدن ویژگی‌ها و باورهای شخصی بسیار متفاوتی در رابطه با بحران اوکراین داشته و ابزارهای آن‌ها متفاوت می‌بود. چنان‌که پیش از شروع جنگ، ترامپ مستقیماً ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین را تحت فشار قرار داد تا روابط اوکراین با روسیه را بهبود بخشد (Kaarbo et al, 2023: 611). در حالی که بایدن در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال روسیه و اوکراین نقش محوری داشت و اجماع عمومی در دولت ایالات متحده شکل گرفت تا تلاش‌های ایالات متحده را با «تصمیمات کلیدی دیپلماتیک» پیوند دهد. بایدن بازیگر مرکزی در تدارک واکنش غرب به تهاجم روسیه بود. ترامپ نیز با توجه به اهمیت بحران، اختیارات ریاست‌جمهوری و منافع شخصی در روسیه و اوکراین، مستقیماً در واکنش آمریکا به تهاجم روسیه نقش داشت؛ اما گفت‌وگو با پوتین و تحت فشار قرار دادن اوکراین به عنوان یک ابزار اساسی جهت دستیابی به توافق مدنظر وی بود. از سوی دیگر بایدن با این استدلال که سیاست‌های ترامپ احتمالاً روسیه را جسورتر می‌کند، طرفداری از پوتین و عقب‌نشینی از مقابله با آن را رد می‌کرد (Edinger, 2022: 1889). به همین دلیل، واکنش‌هایی همچون محکومیت شدید روسیه همراه با حمایت قابل توجه از اوکراین؛ تلاش برای رهبری یک تلاش چندجانبه یکپارچه برای بازدارندگی و مجازات روسیه؛ کمک‌های اقتصادی، علمی، سیاسی و امنیتی از اوکراین در دستور کار قرار گرفت (Lemire,

14: 2022). استراتژی‌های دولت ترامپ طیفی از اقدامات شامل کیفرخواست، کمک دفاعی نظامی به اوکراین و تحریم‌های اقتصادی علیه اتباع و کالاهای روسیه بود. ترامپ در رابطه با روسیه هم ملایم و هم خشن عمل کرد. رویکرد سخت‌گیرانه، شامل تحریم‌ها، خروج از معاهده پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، حمایت از اوکراین، مخالفت با نورد استریم ۲ (یک خط لوله انتقال گاز طبیعی به طول ۱۲۳۴ کیلومتر از روسیه به آلمان) و کیفرخواست و اخراج افراد روسی مشهود بود. اظهارات وی در مورد لغو تحریم‌های روسیه در سال ۲۰۱۴ و تحت فشار قرار دادن زلینسکی برای توافق با پوتین، نمونه‌ای از سیاست نرم او در قبال مسکو می‌باشد (Bouzeghrane & Taalah, 2024: 22-31). استراتژی و راهبرد سیاسی - امنیتی دولت بایدن در قبال روسیه نیز گاهش متأثر از سیاست‌های نرم و گاهی نیز در قالب سیاست‌های نرم بود. در واقع، سیاست‌های بایدن در قبال روسیه هم با تداوم و هم با انحراف از سیاست دولت ترامپ مشخص شد. سیاست‌های سخت در قالب تحریم‌ها و حمایت از دولت اوکراین مشهود بود. دولت بایدن رویکردی تند نسبت به روسیه داشت که ناشی از احساسات بین‌المللی‌گرایی او بود (Bouzeghrane & Taalah, 2024: 51-58). بنابراین، در سطح ابزارهای به کار گرفته شده نیز، بین ترامپ و بایدن تفاوت‌هایی قابل مشاهده است.

۳-۷- مقایسه راهبرد سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین در سطح شیوه‌های دستیابی به اهداف

ترامپ قادر به تشخیص اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین نبود و نمی‌دانست که چگونه اتحادها و تعامل جهانی آمریکا به منافع ایالات متحده کمک می‌کند. در بهار ۲۰۱۹، به نظر می‌رسید ترامپ متقاعد شده بود که اقدامات اوکراین به‌وضوح با سیاست‌های او در تضاد است (Draper, 2019: 14). فقدان استراتژی مشخص از سوی ائتلاف غربی در مورد اوکراین، جاه‌طلبی‌های پوتین را تقویت کرد. همچنین به او اجازه داد که بدون هیچ استراتژی روشنی به شیوه‌ای فرصت‌طلبانه، پیش برود. واکنش ترامپ در راستای کاهش ضرر به منافع ملی آمریکا، افزایش فضای مانور اقتصادی و سیاست صبر بود (Ellison et al, 2023: 195). بایدن و اعضای دولت او در زمان دو قطبی‌سازی سیاسی - اجتماعی بی‌سابقه در ایالات متحده، که با زیر سؤال بردن مکرر نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین و تغییرات قابل توجه جهانی در توازن قدرت ژئوپلیتیکی تشدید شده بود، روی

کار آمدند. آن‌ها با اقتدارگرایی^۱، امپریالیسم^۲ و تجدیدنظرطلبی^۳ تاریخی روسی احیا شده در اروپا مواجه شدند. پیوستن اوکراین به ناتو را نه فقط به عنوان اقدامی مشروع برای هویتی مجزا از روسیه، بلکه باید به عنوان یک عملیات ژئوپلیتیکی از سوی ایالات متحده برای گسترش ناتو و هژمونی آن در اروپای شرقی تا مرزهای روسیه ارزیابی کرد. تلاش‌های روزافزون ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا برای آماده‌سازی دولت و ارتش اوکراین برای جنگ با روسیه را می‌توان در همین چارچوب تفسیر نمود. دخالت در مناقشه روسیه و اوکراین، بخشی از تمایل ایالات متحده برای سوءاستفاده از بی‌ثباتی در اوکراین بوده تا به دست روسیه نیفتد (Ayudhia et al, 2022: 32). حمایت از اوکراین یک تاکتیک برای ضعیف نمودن روسیه است. شیوه‌های دستیابی به اهداف دولت ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین را می‌توان در چارچوب موازنه گری نرم و سخت تحلیل نمود. درحالی‌که شیوه‌های دستیابی به اهداف در مناقشه اوکراین از سوی دولت ترامپ در قالب موازنه گری نرم قابل تحلیل است، رویکرد دولت بایدن با موازنه گری سخت تطابق بیشتری دارد. مسیرهایی دولت ترامپ در مناقشه روسیه و اوکراین، استفاده از یک موازنه گری نرم بود تا ضمن رد درخواست‌های اوکراین برای حمایت نظامی، بتواند طرف روسی را از اقدامات نظامی منصرف نماید. چراکه یک روند اساسی و با حسن نیت می‌توانست به کاهش اختلافات و در نتیجه مناقشه کمک نماید. مخالفت با ممنوعیت عضویت اوکراین در ائتلاف‌های نظامی مانند ناتو یا در ترتیبات دفاعی اتحادیه اروپا می‌توانست زنگ خطر برای روسیه و به عنوان یک اقدام سخت از سوی دولت ترامپ برای روسیه درک شود (Heisbourg, 2025: 11) و در نهایت مسیرهای دستیابی به اهداف مدنظر را با مشکل مواجه سازد. ترامپ و آرمان‌های پوپولیستی او تلاش کردند تا از روابط معمول نخبگان ایالات متحده با مسکو دور شوند، چراکه او تلاش کرد تا روابط آمریکا و روسیه را اقتصادی و فارغ از مسائل امنیتی جلوه دهد. تلاش او توسط کنگره ایالات متحده بیهوده تلقی شد. با این حال بین‌الملل‌گرایی، بایدن را هم ملزم به همکاری با روسیه و هم اقدام علیه آن کرد. از این نظر، بایدن در مواقع لازم با روسیه همکاری نمود تا امنیت جمعی آمریکا و متحدان خود را حفظ کند و علیه پوتین فعالیت کرد تا صلح بعد از جنگ جهانی دوم

¹ Authoritarianism

² imperialism

³ revisionism

محافظت نماید. در نتیجه، به نظر می‌رسد که روابط ایالات متحده و روسیه در طول هر دو دولت هم ماهیت همکاری و هم ماهیت تقابلی داشته است. با این حال، شیوه‌های دستیابی به این اهداف از سوی هر یک از آن‌ها متفاوت بوده است (Bouzeghrane & Taalah, 2024: 5). مقایسه دوره ریاست جمهوری اول ترامپ و بایدن با تمرکز ویژه بر اقدامات آن‌ها در قبال روسیه و اوکراین، نشان‌دهنده شیوه‌های متفاوت آن‌ها برای دستیابی به اهدافشان است. این شیوه‌های متفاوت متأثر از کلیات رویکرد آن‌هاست (Olsen, 2024: 3) که چارچوب تحلیلی متفاوتی را شکل داد. در واقع دولت بایدن برخلاف دوره ترامپ، از روایت عمل‌گرایانه‌تری نسبت به روسیه دفاع کرد. به نحوی که امکان هرگونه مذاکره جدی بین طرفین را با بن‌بست مواجه ساخت. در جدول ۱، خلاصه مقایسه اهداف، ابزارها و شیوه‌های دستیابی به اهداف ترامپ و بایدن ارائه شده است:

جدول-۱. خلاصه مقایسه اهداف، ابزارها و شیوه‌های دستیابی به اهداف ترامپ و بایدن

دولت‌های ایالات متحده	اهداف	ابزارها	شیوه‌های دستیابی
دولت اول ترامپ (۲۰۱۷-۲۰۲۱)	افزایش قدرت داخلی؛ پذیرش برتری‌طلبی روسیه در محیط پیرامونی	واکنش‌های نسبتاً منعطف و غیرقطعی؛ تحت‌فشار قرار دادن اوکراین برای توافق؛ کمک دفاعی نظامی محدود به اوکراین؛ تحریم‌های اقتصادی علیه اتباع و کالاهای روسیه	موازنه‌گری نرم
جو بایدن (۲۰۲۱-۲۰۲۵)	امنیت ملی سنتی تحت عنوان چندجانبه‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی؛ پاسخ به رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فزاینده روسیه؛ مقابله با هژمونی طلبی روسیه در محیط	تحریم‌های بی‌سابقه علیه روسیه؛ کمک‌های نظامی و ارسال تجهیزات گسترده به اوکراین؛ تلاش برای رهبری یک تلاش چندجانبه یکپارچه برای بازدارندگی؛ مخالفت با نورد استریم ۲ (خط لوله انتقال گاز)	موازنه‌گری سخت

	پیرامونی خود	
--	--------------	--

با توجه به آنچه در مورد استراتژی‌های دولت اول ترامپ و بایدن در سطوح اهداف، ابزارها و شیوه‌های دستیابی به اهداف بیان گردید، برای بررسی مقایسه‌ای راهبرد سیاسی-امنیتی دولت اول ترامپ (۲۰۲۱-۲۰۱۷) و دولت بایدن (۲۰۲۱-۲۰۲۵) در قبال مناقشه اوکراین بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، باید به نحوه کنش این دو دولت نسبت به روسیه، ناتو و اوکراین در چارچوب رقابت هژمونیک توجه داشت. در چارچوب تحلیل راهبرد دولت اول ترامپ (۲۰۲۱-۲۰۱۷) بر اساس واقع‌گرایی تهاجمی، می‌توان بیان داشت که ترامپ، برخلاف سنت دیرینه آمریکا در نگاه به روسیه به عنوان تهدید اصلی، چین را تهدید هژمونیک اصلی تلقی می‌کرد. از دیدگاه مرشایمر، این اولویت‌بندی با منطق واقع‌گرایی تهاجمی هم‌خوان است، چون چین قدرت در حال خیزش در آسیاست و مانع اصلی سلطه آمریکا بر منطقه هند-پاسیفیک محسوب می‌شود. همچنین ترامپ ناتو را «منسوخ» خواند و چندان تمایلی به گسترش تعهدات امنیتی آمریکا در اروپا نداشت. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، این رویکرد نشانگر اولویت‌دهی به مهار چین و پرهیز از درگیر شدن در مناطقی است که تهدید هژمونیک مستقیم ندارند. هرچند لحن سیاسی ترامپ نرم‌تر بود، اما فروش سلاح‌های کشنده به اوکراین (مانند موشک‌های ضدتانک جاولین) را تصویب کرد، اقدامی که اواما از آن پرهیز کرده بود. این نشانه‌ای از حمایت محدود برای حفظ توازن منطقه‌ای بود. در چارچوب تحلیل راهبرد دولت بایدن (۲۰۲۱-۲۰۲۵) بر اساس واقع‌گرایی تهاجمی، می‌توان بیان داشت که بایدن از ابتدای ریاست‌جمهوری به بازسازی اتحادهای فراآتلانتیکی پرداخت و این اقدام در جهت حفظ نفوذ آمریکا در اروپا و ممانعت از گسترش نفوذ روسیه تفسیر می‌شود. همچنین پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، دولت بایدن میلیاردها دلار کمک نظامی و مالی به کی‌یف ارائه داد. این اقدامات، مطابق با آموزه‌های واقع‌گرایی تهاجمی، تلاشی برای ممانعت از هژمونی منطقه‌ای روسیه در اروپای شرقی بود. بایدن، برخلاف ترامپ، به دنبال اعمال هزینه‌های سنگین ژئوپلیتیک برای روسیه بود تا مانع تغییر وضع موجود توسط کرملین شود. اگر بخواهیم از دیدگاه مرشایمر نگاه کنیم، هر دو دولت در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی حرکت کردند، اما با تمرکز جغرافیایی و میزان مداخله متفاوت بود. ترامپ با تمرکز بر

چین و عدم تمایل به درگیری در اروپا، و بایدن با تلاش برای جلوگیری از سلطه روسیه در شرق اروپا، هر دو در پی مهار قدرت‌های رقیب برای حفظ یا توسعه موقعیت هژمونیک آمریکا بودند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای راهبرد سیاسی - امنیتی دولت اول ترامپ و بایدن در مناقشه اوکراین انجام گرفت. درگیری بین روسیه و اوکراین با روابط آن‌ها در دوران جنگ سرد آغاز شد. در حال، در نتیجه اشغال شبه‌جزیره کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ و حمله روسیه به اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲، آمریکا از طریق ابزارهای مختلف در این درگیری‌ها دخالت کرده و راهبردهای سیاسی و امنیتی را برای دستیابی به اهداف خود در نظر گرفت. در کنار تفاوت‌های شخصیتی ترامپ و بایدن که باورها، ویژگی‌ها و تجربیات آن‌ها را شکل داده است، استراتژی‌های دولت آن‌ها نیز بر رویکردشان در خصوص مناقشه روسیه و اوکراین تأثیر گذاشته است. روابط ایالات متحده و روسیه در دوران ترامپ بیشتر تحت تأثیر رویدادهایی بود که قبل از حضور او در کاخ سفید رخ داد. تحریم‌های سال ۲۰۱۴ که ترامپ وعده لغو آن‌ها را داده بود، با مداخله روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶، موجب تغییر رویکرد و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر علیه روسیه را فراهم ساخت. با این حال، ترامپ توانست نوعی رویکرد نرم در قبال مسکو داشته باشد. رویکرد تند ترامپ در قبال روسیه در قالب تحریم روسیه و حمایت از اوکراین و کیفرخواست و اخراج افراد و نهادهای روسی به اوج خود رسید. رویکرد نرم ترامپ نیز از طریق تحت فشار قرار دادن اوکراین برای حل اختلافات، موافقت با هژمونی روسیه بر مناطق پیرامونی و تلاش برای توافق بین روسیه و اوکراین مشهود است. درحالی‌که در دوران بایدن، سیاست‌های سخت‌تری متأثر از بین‌الملل‌گرایی و حمایت از ارزش‌های دموکراسی نسبت به روسیه پیگیری شد که نتیجه آن، اعمال تحریم‌های گسترده، ارسال تجهیزات نظامی به اوکراین و مقابله با هژمونی روسیه در مناطق پیرامونی خود بود. بنابراین، تعهد بایدن به اوکراین و دیدگاه‌های او در مورد روسیه، به محکومیت شدید روسیه و حمایت قاطع او از اوکراین کمک کرد. ماهیت همکاری او - هم از نظر جهان‌بینی و هم از نظر سبک او - بخش مهمی از تلاش‌های چندجانبه او بود. با توجه به نگاه واقع‌گرایان، استراتژی‌های مداخله جویانه ایالات متحده؛ شکلی از ایجاد امنیت ملی و بقا برای خود

است. در دوره ترامپ، اوکراین به عنوان یک ابزار سیاسی داخلی تلقی می‌شد و نه یک شریک ژئوپلیتیکی؛ سیاست خارجی او مبتنی بر نگاه معاملاتی، بی‌توجهی به متحدان، علاقه به پوتین و بی‌اعتمادی به بوروکراسی بود. در مقابل، دولت بایدن با تأکید بر چندجانبه‌گرایی، تقویت اتحادهای بین‌المللی و مقابله با هژمونی طلبی روسیه، از اوکراین حمایت دیپلماتیک و نظامی کرد. هدف ترامپ، پذیرش نفوذ روسیه در منطقه بود، اما بایدن به دنبال مهار آن و حفظ نظم بین‌المللی لیبرال بود. دولت بایدن در قبال بحران اوکراین از ابزارهای قاطع مانند تحریم‌های شدید، کمک نظامی و اتحاد با اروپا بهره گرفت، درحالی‌که دولت ترامپ واکنشی متناقض و ملایم‌تر داشت و گاه با روسیه سازش‌جویانه رفتار کرد. ابزارهای بایدن بر بازدارندگی و حمایت چندجانبه استوار بود، اما ترامپ بیشتر بر فشارهای سیاسی فردی و روابط شخصی با پوتین تمرکز داشت. ترامپ در سیاست خود نسبت به اوکراین بر موازنه‌گری نرم، کاهش تعهدات نظامی، و تعامل اقتصادی با روسیه تأکید داشت و اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین را درک نمی‌کرد. در مقابل، بایدن با رویکرد موازنه‌گری سخت، از اوکراین حمایت نظامی و دیپلماتیک کرد و مقابله با روسیه را بخشی از حفظ نظم بین‌المللی دانست. در مجموع، ترامپ بیشتر به سازش و کاهش درگیری گرایش داشت، درحالی‌که بایدن بر تقابل و بازدارندگی از طریق ائتلاف‌های بین‌المللی تمرکز کرد. با توجه به نگاه معاملاتی ترامپ، در دولت جدید وی به دنبال رویکردهایی برای کاهش تنش‌ها با روسیه و برقراری روابط دوستانه‌تر است، هر چند که این سیاست‌ها با انتقادات و نگرانی‌هایی در سطح داخلی و بین‌المللی همراه باشد. به باور ترامپ، می‌توان با پوتین توافق نمود و جنگ را متوقف ساخت. همچنین، او نسبت به ارائه کمک‌های نظامی گسترده به اوکراین تردید دارد و معتقد است که این اقدام می‌تواند به تنش‌های بیشتر منجر شود. بنابراین، ممکن است در راستای منافع آمریکا، سیاست‌های متفاوتی نسبت به بحران اوکراین اتخاذ نماید.

فهرست منابع

- اکبرپور آلمه جوقی، علی؛ صالحی وثیق، محمدرضا؛ و مکرمی پور، محمدباقر. (۱۴۰۱). راهبرد امنیتی آمریکا در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱) مبتنی بر واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر. *مطالعات راهبردی آمریکا*، ۲ (۳): ۱۵۳-۱۸۰.
- رحمتی‌پور، لیلا. (۱۳۹۸). الگوی رفتاری روسیه و آمریکا در بحران‌های بین‌المللی سوریه و اوکراین. رساله دکتری تخصصی، رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- زننده بودی، عباسعلی؛ ابراهیمی، شهرزاد؛ گودرزی، مهناز. (۱۳۹۶). روابط غرب-روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۹): ۵۹-۸۲.
- طالعی حور، رهبر؛ و بهرامی، رستم. (۱۴۰۲). تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین. *مطالعات راهبردی آمریکا*، ۳ (۲): ۱۴۹-۱۲۳.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- نوروزی، حسین؛ سروری، سرور. (۱۴۰۲). جنگ اوکراین و الگوهای وابستگی متقابل در روابط چین با روسیه و آمریکا. *روابط خارجی*، ۱۵ (۱): ۸۵-۱۲۰.
- Alin, J., Eichenberg, A., Kulikov, V., Simanovskyy, M. (2022): Public Pressure on Multinational Corporations in Russia Post-Invasion of Ukraine. <https://www.ponarseurasia.org/public-pressure-on-multinational-corporations-in-russia-post-invasion-of-ukraine-a-comparative-perspective/>, accessed September 28, 2023.
- Anjani, N.R., Paksi, A.K. (2023). The Involvement of The United States in the Russia-Ukraine war in The Perspective of Realism. *AEGIS Journal of International Relations*, 7 (1): 19-31.
- Aydin-Düzgüt, S. (2015): Social-Constructivist and Discursive Approaches to European Foreign Policy, in: Jørgensen, Knud Erik et al. (2015): The SAGE Handbook of European Foreign Policy. London: SAGE, 1 (15): 137-151.
- Ayudhia, L., Yuniarti, Y., Wirawan, R. (2022). Amerika Serikat dalam Rivalitas Ukraina-Rusia: Intervensi pada Konflik Krimea dan Laut Azov. *Interdependence Journal of International Studies*, 3 (1): 29-42.
- Azanella, L. A. (2022). Mengapa Amerika Serikat Terlibat di Perang Rusia dan Ukraina? Kompas.Com. <https://www.kompas.com/tren/read/2022/03/04/070000265/mengapa-amerika-serikat-terlibat-di-perang-rusia-dan-ukraina-?page=all>
- Babina, T., Hilgenstock, B., Itskhoki, O., Mironov, M., & Ribakova, E. (2023). Assessing the Impact of International Sanctions on Russian Oil Exports. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4366337, accessed September 28, 2023.
- Beasley, R., Kaarbo, J., Thiers, C. (2021). Leader personalities: Trump vs. Biden', Duck of Minerva, 27 Oct. 2020, <https://www.duckofminerva.com/2020/10/leader-personalities-trump-vs-biden.html>; Heidarali Masoudi. *Joe Biden's operational codes in foreign policy. Political and International Approaches*, 12 (2): 95-122.
- Biden, J. (2022). *Remarks by President Biden on Russia's Unprovoked and Unjustified Attack on Ukraine*. The White

- Bolton, J. (2020). *The room where it happened: a White House memoir*. New York: Simon & Schuster.
- Bouzeghrane, M.A., Taalah, A. (2024). US Foreign Policy towards Russia during Trump and Biden Tenures: A Comparative Study. Thesis for: Master's degree Advisor.
- Brands, H. (2021). *The emerging Biden doctrine*. Foreign Affairs, 29 June, <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-06-29/emerging-biden-doctrine>.
- Brands, H. (2021). The emerging Biden doctrine', Foreign Affairs, 29 June. <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-06-29/emerging-biden-doctrine>.
- Bredemeier, K. (2022). *Biden assures Ukraine's Zelenskiy of US support in face of Russian invasion*, *Voice of America*. 13 Feb. <https://www.voanews.com/a/biden-speaks-with-ukraine-s-zelenskiy-as-threat-of-russian-invasion-looms/6439904.html>.
- Cato Institute. (2019). *What Ukraine tells us about Trump*. 3 Oct. <https://policycommons.net/artifacts/1317339/what-ukraine-tells-us-about-trump/1920629/>.
- Chait, J. (2022). If Trump was still president, Ukraine would be so screwed right now. National Interest.
- Cohen, M. (2022). 4 Things to Remember about Trump, Ukraine and Putin', CNN, 26 March. <https://edition.cnn.com/2022/03/26/politics/trump-putin-ukraine/index.html>.
- Deyermond, R. (2023). The Trump presidency, Russia and Ukraine: explaining incoherence. *International Affairs*, 99 (4): 1595–1614.
- Dhanani, S., McBrien, T. (2022). A Tale of Two Strategies: Comparing the Biden and Trump National Security Strategies. Executive Branch Foreign Relations & International Law.
- Draper, H. (2019). *This was Trump pulling a Putin*''; Krishnadev Calamur, *Why the president praises dictators*. Atlantic, 14 Jan.
- Draper, R. (2022). This was Trump pulling a Putin. New York Times Magazine. <https://www.nytimes.com/2022/04/11/magazine/trump-putin-ukraine-fiona-hill.html?searchResultPosition=3>.
- Edinger, H. (2022). Offensive ideas: structural realism, classical realism and Putin's war on Ukraine. *International Affairs*, 98 (6): 1873-1893.
- Eising, R., Rasch, D., Rozbicka, R. (2015). Institutions, Policies, and Arguments: Context and Strategy in EU Policy Framing. *Journal of European Public Policy*.
- Ellison, J., Cox, M., Hanhimäki, J., Harrison, H., Ludlow, N., & Romano, A. (2023). The war in Ukraine. *Cold War History*, 23 (1): 121-206.
- Eskenazi, M. (2015). The Making of Foreign Policy: On Paradigms and Grand Strategies. The Israeli Institute for Regional Foreign Policies, 5 (2): 1-19.
- Frederick, B., Charap, S., Boston, S., Flanagan, S., Mazarr, M., Moroney, J., Mueller, K. (2022). Pathways to Russian Escalation Against NATO from the Ukraine War, RAND Corporation, PE-A1971-1, July 2022. As of October 4, 2022: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PEA1971-1.html>
- German, T. (2020). Harnessing Protest Potential: Russian Strategic Culture and the Coloured Revolutions. *Contemporary Security Policy*, 5 (10): 1-17.
- German, T. (2023). From cooperation to confrontation: US-Russia relations since 9/11. *Int Polit*, 5 (5): 1-23.
- Heisbourg, F. (2025). War or Peace in Ukraine: US Moves and European Choices. *Global Politics and Strategy*, 67 (1): 7-22.
- Hirss, M. (2019). U.S. Grand Strategy Towards Russia 2001-2017. *Security and Defence Quarterly*, 26 (4): 98-121.

- Kaarbo, J., Oppermann, K., Beasley, R.K. (2023). What if? Counterfactual Trump and the western response to the war in Ukraine. *International Affairs*, 99 (2): 605-624.
- Kalembang, E., Kalembang, J.V. (2022). PAKTA WARSAWA: LATAR BELAKANG, SEJARAH, DAN HEGEMONI UNI SOVIET. *JPPOL: Jurnal Poros Politik*, 4 (2): 90-107.
- Kulikov, V., Simanovskyy, M., Eichenberg, A., Braese, A. (2023). Navigating wartime communications: multinational corporations in the Russia-Ukraine war. *Society and Economy*, 46 (1): 1-23.
- Kumar, A. (2023). An analytical study of Russia-Ukraine war in reference to the offensive realist approach in international relations. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 18 (03): 926-933.
- Lemire, J. (2022). Trump's shadow lurks over Biden's support for Ukraine', Politico, 14 March 2022, <https://www.politico.com/news/2022/03/14/biden-support-ukraine-russia-trump-00016882>.
- Lemire, J. (2022). Trump's shadow lurks over Biden's support for Ukraine. Politico. <https://www.politico.com/news/2022/03/14/biden-support-ukraine-russia-trump-00016882>.
- Liu, Z., Shu, M. (2023). The Russia-Ukraine conflict and the changing geopolitical landscape in the Middle East. *China Int Strategy Rev*, 5 (2): 99-112.
- Mearsheimer, J., Walt, S. (2016). The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S. Grand Strategy. *Foreign Affairs*, 95 (4): 70-83.
- Mearsheimer, J.J. (2001). *The tragedy of the great power politics*. New York: W. W. Norton & Company Ltd.
- Milburn, A. (2022). The United States is Sending Billions in Military Aid to Ukraine—Just Not the Systems It Needs. <https://mwi.westpoint.edu/the-united-states-is-sending-billions-in-military-aid-to-ukraine-just-not-the-systems-it-needs/>
- Mills, C. (2024). Military assistance to Ukraine since the Russian invasion. House of Commons Library, 2 May. <https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-9477/>
- Miskimmon, A., O'Loughlin, B., Roselle, L. (2024). 25 Strategic Narratives, Soft Power, and Foreign Policy Get access Arrow. *The Oxford Handbook of Foreign Policy Analysis The Oxford Handbook of Foreign Policy Analysis*.
- Nitoiu, C., Sus, M. (2019). Introduction: strategy in EU foreign policy. *International Politics*, 56 (4): 1-30.
- Nye, J.S. (2020). *Do morals matter? Presidents and foreign policy from FDR to Trump*. New York: Oxford University Press.
- Olsen, G.R. (2024). Trump, Biden and American responses to international crises and conflicts, 2017-2024. Department of Social Sciences and Business Globalization and Europeanization Centre for Statecraft and International Order.
- Pajuste, A. – Toniolo, A. (2022): Corporate Response to the War in Ukraine: Stakeholder Governance or Stakeholder Pressure? SSRN. <http://doi.org/10.2139/ssrn.4183604>.
- Parker, A., Harris, S., Birnbaum, M., Hudson, J. (2022). '13 days: inside Biden's last-ditch attempts to stop Putin in Ukraine', *Washington Post*, 25 Feb. 2022, https://www.washingtonpost.com/politics/2022/02/25/inside-biden-putin-ukraine/?itid=ap_ashleyparker.
- Pelchar, K. (2022). *U.S.-UKRAINE RELATIONS AND THE CONCEPT OF STRATEGIC PARTNERSHIP*. Thesis submitted to the Eberly College of Arts and Sciences, at West Virginia University.

- Pifer, S. (2020). The Biden presidency and Ukraine. *Stanford International Policy Review*, 5 (2): 1-22.
- Podlesny, P. (2024). America First, Russia and Ukraine (Center for American Security). Russia and America in the 21st Century.
- Prifti, B. (2009). *The Security and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: An Offensive Realism Perspective*. USF Tampa Graduate Theses and Dissertations.
- Reuters, 'Russian force on Ukraine border larger than any time since 2014, US says', 8 April 2021, <https://www.reuters.com/article/us-ukraine-crisis-usa-idUSKBN2BV2Z3>.
- Setiari, N.M., Resen, P.T.K., Putri, P.K. (2022). Dukungan Amerika Serikat terkait Penyediaan Military Assistance bagi Ukraina dalam Konflik Russia-Ukraina tahun 2014-2016. *Jurnal Hubungan Internasional Universitas Udayana*, 2 (1): 1-23.
- Speck, U. (2020). The consequences of a Trump or Biden win for European security', German Marshall Fund of the United States, 18 Oct. 2020, <https://www.gmfus.org/news/consequences-trump-or-biden-win-european-security>.
- Sudiq, R.D., Yustitiningtyas, L. (2022). Intervensi rusia terhadap ukraina pada tahun 2022. *sebagai pelanggaran berat ham*, 10 (3): 101-117.
- Sutyagin, I. (2015). Russian forces in Ukraine. *RUSI Briefing paper*, 15 (7): 1-23.
- Sweeney, S. (2022). Western policy failures have facilitated Russia's terror campaign. UK in a changing Europe website.
- Tamkin, E. (2017). Trump finally signs sanctions bill, then adds bizarre statements', *Foreign Policy*, 2 Aug. 2017, <https://foreignpolicy.com/2017/08/02/trump-finally-signs-sanctions-bill-then-adds-bizarre-statements>.
- Taylor, A. (2022). Russia's attack on Ukraine came after months of denials it would attack. *Washington Post*, February.
- Thakkar, C. (2024). Russia-Ukraine War, India, and US grand strategy: punishing or leveraging neutrality. *Policy Studies*, 68 (1): 15-36.
- Trump White House Archives, 'Remarks by President Trump before Marine One departure', 8 June 2018, <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-marine-one-departure-8/>.
- US Department of State, 'Secretary Tillerson's call with Ukrainian President Petro Poroshenko', 23 April 2017, <https://2017-2021.state.gov/secretary-tillersons-call-with-ukrainian-president-petro-poroshenko/index.html>.
- US Department of State. (2021). Press availability in Toronto, Canada. 23 April. <https://2017-2021.state.gov/press-availability-in-toronto-canada/index.html>.
- Voitlovskii, F. G. (2021). US Strategy in a Changing World Order: Challenges for Russia. *Her Russ Acad Sci*, 91 (4): 393-402.
- Welt, C. (2022). Russia's invasion of Ukraine: overview of US sanctions and other responses', Congressional Research Service, 22 April 2022, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IN/IN11869>. For a full list of US economic sanctions on Russia from February 2022, see Chad P. Bown, 'Russia's war on Ukraine: a sanctions timeline', Peterson Institute for International Economics, <https://www.piie.com/blogs/realtime-economic-issues-watch/russias-war-ukraine-sanctions-timeline>, accessed 1 July 2022.
- Zengerle, P. (2018). Trump administrations holds off on new Russia sanctions, despite delay', Reuters, 29 Jan. 2018, <https://www.reuters.com/article/us-usa-russia-sanctions-idUSKBN1F12V7>.

